

یک کشوری با این خصوصیات، با این همه ظرفیت، اگر یک برنامه‌ریزی درست اقتصادی داشته باشد و یک مدیریت قوی هم بالاسرش باشد که این مدیریت البته باید قوی و قادر بر حل مسائل باشد، مردمی باید باشد، ضد فساد باید باشد، می‌تواند به یک کشور پیشرفته اقتصادی تبدیل بشود و دیگر هیچ گونه ابزار تحریم در او اثر نکند.



# گفتار دولت جوان انقلابی

انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰

جزوه آموزشی - شماره ۹

هوای تازه

مبانی مواضع ستاد گفتمانی دولت جوان انقلابی

بسیج مدرسه علمیه معصومیه



## فهرست مطالب

۲	مقدمه:
۳	ترسیم صحنه.....
۴	اهمیت ریاست جمهوری.....
۵	اهم وظایف دولت جوان انقلابی.....
۵	الف. «فراهم نمودن زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم».....
۵	«نقش‌آفرینی مردم در رفع مشکلات اقتصادی کشور».....
۷	«نقش‌آفرینی مردم در تولید قوی».....
۸	تذکر مهم:.....
۱۱	ب. «نگاه به داخل و خنثی‌سازی تحریم‌ها»:.....
۱۲	پیام قرآن:.....
۱۲	علت دشمنی آمریکا و سایر مستکبران با ایران و ایرانی:.....
۱۳	راه کار مقابله با تحریم‌ها و فشار اقتصادی و کارشکنی‌ها:.....
۱۳	داشته‌هایمان:.....
۱۴	دیدگاه مقابل نگاه به داخل:.....
۱۴	اعتماد به شیطان بزرگ.....
۱۵	آیا مقاومت و نگاه به داخل، هزینه ندارد؟.....
۱۷	ج: عدالت- مبارزه با فساد و تبعیض:.....
۱۷	عدالت؛ ارزش مطلق!.....
۱۷	عدالت، در صدر هدف‌های اولیه همه بعث‌های الهی.....
۱۷	عدالت در حکومت مهدوی.....
۱۸	عدالت در جمهوری اسلامی.....
۱۸	مطالبه‌گری عدالت.....
۱۹	خطر فراموشی عدالت:.....
۲۰	مبارزه با تبعیض و فساد:.....
۲۰	اژدهای هفت سر:.....
۲۱	قوهی مجریه مهمترین نقش در اجرای عدالت و مبارزه با فساد و تبعیض:.....
۲۱	نکته پایانی:.....



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۶۹﴾ عنكبوت ﴿۶۹﴾  
و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است.

## مقدمه

امروز بیش از چهار دهه است که کشتی انقلاب اسلامی، در دریای پر تلاطم، طوفانی و موج عصر کنونی به حرکت در آمده است؛ عصری که در آن، دنیا با افکار مادی اداره می شود، دنیایی که دنیای زورگویی ها و استعمار گری ها و غارت هاست؛ دنیای کارشکنی ها و تحریم هاست؛ دنیایی که مستکبرین عالم، حق مستضعفین را پامال کرده و منافع کشورهای را که جهان سومی و عقب افتاده می خوانندش، غارت می کنند!

با وجود چنین شرایطی، نظام اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی که بستر ساز ظهور است نیازمند الگوسازی است؛ یعنی چنانچه به توفیق الهی جمهوری اسلامی ایران به الگوی پیشرفته اسلامی در ابعاد مختلف تبدیل شود این الگو به سایر نقاط صادر شده و مانند سایر تمدن های تاریخ که با یک فکر تازه در گوشه ای از دنیا شکل گرفتند و به تدریج فکر و حرف نو خود را گسترش دادند، تمدن اسلامی نیز بار دیگر گستره دنیا را در بر گرفته و بستر ساز ظهور حضرت حجت ارواحنا فدا خواهد شد.

بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران، بدخواهان و مستکبران عالم نتوانستند استقلال آنها را تحمل کنند و از ترس اینکه این ملت با رسیدن به اهداف عالیّه ای که برایش انقلاب کرده بودند، تبدیل به الگویی برای مستضعفین عالم شوند و در نتیجه، مستضعفین بساط ظلم و فساد مستکبران را برچینند، حرکت عظیم مردم ایران را ابتدا مورد سانسور و بایکوت رسانه ای قرار دادند و بعد هم که دیدند نمی توانند در مقابل عظمت آن ایستادگی کنند، شروع به تحریف این حرکت کرده و آن را مورد هجمه ی رسانه ای قرار دادند. آنهایی که شعار آزادی و دموکراسی می دادند، ملت ایران و انقلاب مردمی اش را هدف جنگ و ترور

و خون ریزی قرار دادند و سنگین‌ترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی را بر آنها تحمیل کردند.

مردم شریف ایران اسلامی با وجود تمام کاستی‌ها و نقص‌ها و کارشکنی‌هایی که نه فقط از طرف اجانب، بلکه از سوی برخی خودی‌نماها و نفوذی‌ها هم صورت می‌گرفت، پا پس نکشیدند و با چراغ راه قرار دادن کلام امیر المومنین (ع) که «أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ»، ایستادگی کرده و از مشکلات، سرافراز و شرافتمندانه خارج شدند.

به برکت همین ایستادگی‌هاست که ایران اسلامی امروز، نیرومندتر و قدرتمندتر از دیروز شده و در مقابل، دشمنانش رو به ضعف و افولند. این وعده الهی است: «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ».

البته دشمن هنوز دست از طمع بر نداشته و چشم به ثروت و منابع ایران زمین دوخته و هوای دخالت در امور این ملت و مملکت را دارد. از طرف دیگر، این کشتی نظام به قدری قدرتمند نشده است که بتواند در این دریای طوفانی و مواج، به سان کشتی حضرت نوح «تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ» و بدون دغدغه حرکت کند. برای مقابله با این دشمنی‌ها، راه چاره قوی شدن است، «به قول آن شاعر خوب خراسانی ما، برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی؛ اولاً به مسئولین کشور و ملت عزیزمان می‌خواهم توصیه بکنم سعی کنند قوی بشوند. تا قوی نشوید، دشمن‌ها به شما طمع خواهند کرد. ثانیاً برای مسیر رفع مشکلات مردم، به وعده این و آن اعتماد نکنید» (۹۹/۹/۲۶)

«اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شنفت، به او زور می‌گویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌گیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد؛ چه نسبت به فرد، چه نسبت به ملت ... اگر یک ملتی به خود نیاید، خود را قوی نکند، دیگران به او زور می‌گویند» (۹۳/۱/۱)

### ترسیم صحنه

در حال حاضر هدف میان مدتی که افاق‌های فکر دشمن برای ضربه زدن به رشد و حتی زوال جریان تمدنی انقلاب اسلامی در نظر گرفته عبارت است از اینکه "مردم بایستی از جمهوری اسلامی و از نظام اسلامی به‌خاطر مشکلات معیشتی ناامید و مأیوس بشوند".

حال در صحنه این "جنگ اقتصادی" راهبردی که رهبر انقلاب برای مصونیت بخشی اقتصاد ملی به عنوان یکی از مولفه لازم برای تحقق عزت ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی و پیشرفت همه‌جانبه در نظر گرفته اند عبارت است از "سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی"؛

رهبر معظم انقلاب در ابلاغیه سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی فرمودند: "قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند"

بنا به تصریح ایشان در بیانیه گام دوم، این سیاست ها می بایست "با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود و بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند".

چنانچه به شعارهای چند سال اخیر توجه کنیم: (اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل ← اقتصاد مقاومتی، تولید-اشتغال ← حمایت از کالای ایرانی ← رونق تولید ← جهش تولید ← تولید، پشتیبانی‌ها، مانع زدایی‌ها)، اینطور برداشت می شود که رهبری معظم، اقدامات انجام شده در جهت اجرایی کردن این سیاست‌ها را مطلوب و برآمده از یک نقشه راه مدون ندانسته‌اند و همین امر سبب شده تا خود ایشان نخستین گام در اجرایی کردن این سیاست‌ها را تبیین نمایند و این گام نخست عبارت است از: "رونق تولید ملی" به عنوان سیستم دفاعی و امنیت بخش اقتصاد در برابر تکانه‌های گوناگون بین‌المللی و اقتصادی.

### اهمیت ریاست جمهوری

با توجه به اینکه «مهمترین و موثرترین مدیریت کشور ریاست جمهوری است» و «همه مراکز مدیریتی کشور تقریباً در اختیار رئیس جمهور است، هزاران مدیریت در اختیار رئیس قوه مجریه است، همه بودجه مصوب کشور در اختیار رئیس جمهور است، اختیارات حکومتی کشور در اختیار رئیس جمهور است و مدیریت‌های دیگر در جنب قوه مجریه چیزی نیستند» (۱۴۰۰/۱/۱) و «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد» (اصل ۱۱۳ قانون اساسی) و همچنین ایشان، رئیس ۲۷ شورای ملی است، من جمله شوراهای تخصصی مانند شورای

عالی امنیت ملی، شورای عالی اقتصاد، شورای عالی هماهنگی اقتصادی، شورای عالی اشتغال و...؛

دولت و در رأس آن رئیس جمهور، وظیفه اصلی را در ایجاد بستر برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی و همچنین رفع موانع تولید برعهده دارد. حال در شرایط جنگ تمام عیار اقتصادی، اجرایی کردن این سیاست‌ها و متعاقباً رونق تولید ملی، نیازمند روی کار آمدن یک "دولت جوان انقلابی" است.

### اهم وظایف دولت جوان انقلابی

دولت جوان انقلابی می‌بایست در مسیر رفع اهم موانع، اولاً نگاه را از خارج منقطع نموده و سیاست‌های و برنامه‌های خود را با فرض وجود تحریم‌ها و مشکلات خارجی ارائه و پیش ببرد. ثانیاً با شکستن تبعیض‌ها و مبارزه با فساد عرصه را برای به میدان آمدن اراده عمومی مردم و نقش‌آفرینی آنها فراهم آورد.

#### الف. «فراهم نمودن زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم»

نسبت به اهمیت و ضرورت تلاش قوای سه‌گانه برای حضور مردم در صحنه و نقش‌آفرینی آنها همین قدر کفایت می‌کند که «رفع مشکلات احتیاج به همراهی مردم دارد؛ همدلی مردم. هر کاری که مردم وارد شدند قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این جور بوده؛ در همه اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده» (۱۴۰۰/۱/۱) «امام بزرگوارمان بارها و بارها تأکید کردند که رمز همهی پیروزی‌ها، وحدت کلمه و حضور در صحنه است. این رمز همهی پیروزی‌ها است؛ اگر این را از دست دادیم - اگر وحدت کلمه نباشد و اگر مردم حضور نداشته باشند - ملت ایران نخواهد نتوانست قدم از قدم بردارد. البتّه خداوند هم کمک خواهد کرد، مدد خواهد کرد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» و «مَنْ كَانَ لِلّٰهِ كَانَ لِلّٰهِ لَهُ» (۱۳۶۸/۴/۲۱).

من باب نمونه، دو مورد از موارد بسیار مهمی را که دولت آینده، حتماً باید نسبت به آنها زمینه نقش‌آفرینی مردم را فراهم کند، بیان می‌کنیم:

#### «نقش‌آفرینی مردم در رفع مشکلات اقتصادی کشور»

«امروز، مشکل عمده و نقد کشور فعلاً مشکل اقتصادی است» (۹۸/۲/۲۴)، «اولویّت امروز ملت ایران، مسئلهی اقتصادی است و توجّه کنید که اولویّت دشمن هم مسئلهی

اقتصادی است؛ یعنی امروز دشمنان جمهوری اسلامی برای اینکه بتوانند اهداف خودشان را در مورد ایران و ایرانی و جمهوری اسلامی محقق کنند، دنبال راهکارهای اقتصادی، و یا به تعبیر درست‌تر، دنبال ضربه‌زدن اقتصادی به ملت ایرانند. هدف دشمن این است که بتواند با فشار اقتصادی، ملت ایران را نسبت به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی دلسرد و دلزده کند و بین ملت ایران و نظام اسلامی فاصله بیندازد و هدفهای خودش را از این راه دنبال کند» (۹۶/۱/۱)

«عزت ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی، پیشرفت همه‌جانبه چه جور به دست می‌آید؟ من عرض می‌کنم بدون اینکه کشور یک اقتصاد قوی داشته باشد، اینها به دست نمی‌آید. نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است؛ بدون یک اقتصاد قوی این جوری، نه به یک عزت مستمری خواهیم رسید، نه به یک امنیت مستمری خواهیم رسید؛ این چیزها را باید تأمین کنیم. اهمیت اقتصاد این است» (۹۶/۱/۱)

اما این اقتصاد قوی چگونه به دست می‌آید؟ آیا صرف مدیریت قوی برای رفع کردن این نیازها که عبارت از اقتصاد قویست، عبارت از تولید قویست کافیست؟ صرفاً با سرکار آمدن یک دولت قوی با مدیریت قوی، اینها حاصل خواهد شد؟

«قوی‌ترین دولتها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد... بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیتهای گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم» (۹۷/۲/۱۷) «[نیاز ما که اقتصاد قوی، تولید قوی هست] بدون اتحاد ملی به دست نمی‌آید؛ بدون پیوند عمومی ملت با نظام این خواسته‌ها به دست نمی‌آید؛ بدون فرهنگ انقلابی به دست نمی‌آید؛ بدون مسئولان شجاع و فعال و پرکار هم این خواسته‌ها تأمین نخواهد شد» (۹۶/۱/۱)

«جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور - که معمولاً کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولتها است، کار مردم نیست، کار ارتش‌ها است، کار دولتها است - با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج کند، وارد این میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها وارد میدان شدند توانستند پیش بروند. خب کار اقتصاد به طریق اولی [همین‌طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت» (۹۶/۱/۱)

### «نقش آفرینی مردم در تولید قوی»

هر چند که رونق تولید نیز از جهتی ذیل اقتصاد قرار می‌گیرد، اما «آن [طور] که من تصوّر می‌کنم، به اعتقاد بنده مسئله تولید فقط مسئله اقتصاد هم نیست؛ تولید از لحاظ سیاسی، یک کشور را دارای اعتماد به نفس می‌کند، ملت را دارای احساس عزّت می‌کند. اینکه ملت احساس کنند که نیازهایشان در داخل کشور خودشان به وسیله‌ی خودشان تأمین می‌شود، برای یک ملت خیلی مایه عزّت و افتخار است؛ تا اینکه ببینند هر چه لازم دارند، بایستی از دیگران بگیرند؛ بایستی از دیگران آن را التماس بکنند؛ [دیگران هم] گاهی بدهند، گاهی هم ندهند؛ و انواع و اقسامش را بدهند؛ یعنی گاهی خویش را بدهند، گاهی بدش را بدهند. پس می‌بینید مسئله تولید، ابعادی فراتر از ابعاد اقتصادی محض دارد. علاوه بر اینکه تولید می‌تواند بر روی کلیّه‌ی شاخص‌های اقتصادی کشور اثر بگذارد؛ یعنی تولید می‌تواند در شاخص‌های گوناگون مثل تولید ناخالص داخلی، مسئله اشتغال، مسئله عرضه‌ی کالا و خدمات، مسئله رفاه عمومی جامعه، مسئله صادرات و تأثیرگذاری فکری و فرهنگی‌ای که صادرات می‌تواند بکند، اثر بگذارد. بنابراین بیش از این، انسان در باب اهمیّت تولید چه بگوید؟ تولید داخلی واقعاً حیاتی است برای کشور» (۹۹/۲/۱۷) لذا تولید را تحت عنوان مستقل ذکر کرده‌ایم.

رهبری قائل به این هستند که تولید مزایایی مثل اشتغال، شکوفایی استعدادها و ابتکار جوانها، مصرف نشدن ارز با اهمیت، به کار افتادن پس‌اندازهای راکد، جهش صادرات، کم رنگ شدن مسابقه به رخ کشیدن مارک‌های خارجی، کم شدن مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد نشاط ملی دارد.

«در مسئله سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای تولید، خود مردم می‌توانند نقش ایفا کنند» پس دولت باید بستر نقش‌آفرینی مردم را در زمینه تولید هم فراهم کند.

این دو مورد، من باب نمونه‌ای بودند اما مسلم است که مسایل محدود به این دو مورد نمی‌شوند و در مسائلی مثل فرهنگ، سیاست و ... هم همینطور هست.

اصلاً به طور کلی «ما باید تلاش کنیم کشور را قوی کنیم. خب، کشور و ملتی که می‌بیند دشمنی‌های دشمنان و زیاده‌خواهان و مستکبران را، راه کار و علاجش این است که خودش را قوی کند. این قوت کشور و «ایران قوی» یک شعار عمومی است، این را همه قبول دارند مسلماً ایران قوی بهتر از ایران ضعیف و ناتوان و تو سری خور است. خب حالا این



قوت را چه کسی به ایران می‌بخشد؟ همان طور که عرض کردیم، ملت؛ ملت هستند که این قوت را به کشور می‌بخشند و حضور ملت و مشارکتشان هم - اصل مشارکتشان، اندازه مشارکتشان - مسلماً در این قوت ملی تأثیر دارد» (۱۴۰۰/۱/۱)

### تذکر مهم

البته باید توجه داشته باشیم که جایگاه مردم در جمهوری اسلامی منحصر در مسائل اقتصادی نیست. جهت تبیین بهتر این مهم، مروری گذرا به جایگاه مردم در دیدگاه امام خمینی ره و رهبر انقلاب خواهیم داشت:

«محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می‌شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حق ملت‌ها، اهمیت رأی ملت‌ها و تأثیر جهاد و حضور آنها تأکید می‌کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست ناپذیری اسلام، شکست ناپذیری مردم» (۸۲/۳/۱۴) «مالک این کشور، مردم هستند» (۸۱/۱۱/۱۵)

«بعضی از نظام‌ها هستند که پول هم دارند، امکانات هم دارند، به‌به و چه‌چه سیاستمداران استعمارگر دنیا را هم دارند، اما ریشه ندارند؛ خودشان هم می‌دانند که ریشه ندارند. نظام جمهوری اسلامی ریشه دارد؛ این ریشه، مردم‌اند. اجتماع مردم حول این نظام، مایه عزت و برکت کشور و برکت نظام و برکت خود آن مردم است» (۹۲/۳/۸)

«حقیقتاً مردم ولی نعمت ما و کارگزاران این نظام هستند. این، تعارف نیست. بعضی خیال می‌کنند، امام که این حرفها را می‌زدند، تعارف می‌کردند!» (۶۹/۹/۱۴). «به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه مینمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید» (صحیفه ی نور، ج ۲۱، ص ۴۱۲)

«افرادی گمان نکنند که امام بزرگوار ما، انتخابات را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ نه، اگر انتخابات و مردم‌سالاری و تکیه‌ی به آراء مردم، جزء دین نمی‌بود و از شریعت اسلامی استفاده نمی‌شد، امام هیچ تقیدی

نداشت؛ آن آدم صریح و قاطع، مطلب را بیان می‌کرد. این جزو دین است» (۹۳/۳/۱۴)، «مردم‌سالاری ما از دین سرچشمه گرفته است، اسلام این راه را به ما نشان داده است» (۹۲/۶/۱۴)

«مردم‌سالاری ما ریشه در یک معرفت دینی دیگر و یک جهان‌بینی دیگری دارد، تا آنچه که آنها (غربی‌ها) می‌گویند. ما برای انسانها کرامت قائلیم، برای رأی آنها ارزش قائلیم و حضور آنها را وسیله‌ای می‌دانیم برای اینکه اهداف الهی تحقق پیدا کند و بدون آن امکان‌پذیر نیست» (۹۰/۱۲/۱۸)

«وقتی امام بر روی عنصر «مردم» تکیه می‌کرد، لفاظی نمی‌کرد؛ به معنای حقیقی کلمه به اصالت عنصر «مردم» در نظام اسلامی معتقد بود.» (۸۲/۳/۱۴) «آنها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند، و کسانی که بالا بالاها نشسته‌اند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند» (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۸۸)

پس مردم‌سالاری اسلامی، نه به عنوان یک تاکتیک، نه از روی انفعال در مواجهه با تمدن غرب، و نه از روی تقیه، بلکه با الهام از دین مبین اسلام و کتاب آسمانی آن قرآن کریم بوده و برآمده‌ی از متن اسلام است، «مهم‌ترین کار اصولی‌ای که انقلاب کرده است، تبدیل نظام طاغوت‌سالار به نظام مردم‌سالار است؛ این مهم‌ترین کاری است که انقلاب کرده است؛ آن هم با الهام از تعالیم اسلامی، نه با مکتب‌های این نظریه‌پرداز و آن نظریه‌پرداز و نقص‌ها و معارضاتی که در حرفهایشان هست؛ نه. با الهام از اسلام، با الهام از قرآن» (۹۶/۱۱/۲۹)

بنابراین، مردم در نگاه امامین انقلاب، از جایگاه و ارزش بسیار والایی برخوردارند و ایشان آنها را صاحبان حقیقی این مملکت و ریشه نظام می‌دانند. نه اینکه جایگاه و نقش مردم را منحصر به شرکت در انتخابات، شرکت در ۲۲ بهمن‌ها و در ۹ دی‌ها و ... بدانند و به مردم نگاه ابزاری داشته باشند، بلکه به این مطلب ایمان و باور دارند و به کثرت این را در عمل نشان داده‌اند.

اما برخی‌ها هستند که نگاهشان به مردم ابزارپرست!، فهمشان هم از جمهوریت و مردم‌سالاری در همین حد است. چه بسا عده‌ای از این‌ها در خلوتشان، ته دلشان این باشد که در انتخابات، ان شاء الله فقط آن دسته از مردم که نام آنها را در برگه‌های رأی می‌نویسند، پای صندوق‌های رأی بیایند و آن دسته از مردم که رأیشان به فرد دیگریست، به فضل الهی توفیق شرکت در انتخابات را پیدا نکنند!

برخی نیز برای کسب مطامع حزبی و سیاسی و اقتصادیشان از مردم سخن به میان می‌آورند. پوپولیستهایی که نه در عمل، بلکه فقط در حرف مردم سالارند و بعد از اینکه خرشان از پل گذشت، انرژی‌شان را صرف نورچشمی‌ها و ژن‌های خوب و آقاها می‌کنند و به اسم خصوصی‌سازی، دست به اختصاصی‌سازی زده و سیلی از رانت خواری‌ها را به راه می‌اندازند!

صد مع الاسف، عده‌ای هم هستند که پیرو خط امام و رهبری بوده ولی دیدی که نسبت به مردم دارند، با دید امامین انقلاب سازگار نیست. همین که در بزنگاه‌هایی مثل انتخابات چرخ روزگار بر وقف مرادشان نمی‌چرخد و نامزد مورد نظرشان رأی نمی‌آورد، مردم را ملامت می‌کنند که «مردم آگاهی سیاسی ندارند، مردم شعور کافی ندارند، مردم نمی‌فهمند، حق این مردم همین هست که زیر بار این مشکلات له شوند و...!» و در ختم کلامشان هم یک «اکثرهم لا یعقلون» نقش می‌بندد!

ما کی رفتیم برای مردم روشنگری کردیم؟! ما کی رفتیم برای مردم تبیین کردیم؟! ما کی وقت گذاشتیم و مجهز به جدال احسن و قول لئین و قول حسن شدیم و رفتیم سراغ مردم و برایشان استدلال کرده و گفتمان سازی کردیم که این حق را داشته باشیم امروز مردم را ملامت کنیم؟! «دو هفته مانده» به انتخابات‌ها رفتیم سراغ مردم آن هم نه مجهز، بلکه با یک سری بافتنی‌هایی که گوش مردم از آن‌ها پر است!

«در يك جامعه اگر مردم از اخلاق خوب برخوردار نبودند، اگر فساد در میان مردم رواج داشت، اگر مردم تعلیم و تربیت را درك نکردند، اگر سطح سواد در میان مردم پایین بود و ساقط بود، اگر رشد و آگاهی سیاسی به قدر لازم در مردم نبود، مردم آن جامعه را نمی‌توان ملامت کرد. حکومت‌های آن جامعه را با ید ملامت کرد»

منزلت و جایگاه این ملت را امامین انقلاب می‌فهمند؛ ملتی که بیش از ۴۰ سال است با وجود جنگ و ترور و فشارهای اقتصادی و خیانت خودی‌ها، عکم اسلام را در عالم بر افراشته‌اند و پای آن ایستاده‌اند: «خمینی دست یکایک شما را می‌بوسد و به یکایک شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خودش می‌داند که بارها گفته‌ام من با شما یکی هستم و رهبری در کار نیست. من خوب درک می‌کنم که حضور شما در این روزهای حساس به چه معنایی است و به امید پیروزی نهایی شما بر دشمنانتان روز شماری می‌کنم.» (صحیفه ی نور، ج ۱۴، ص ۴۷۴)

## ب. «نگاه به داخل و خنثی سازی تحریم‌ها»

نگاه به داخل به معنای بستن درهای کشور به روی دنیا نیست، بدین معنا نیست که یک دیواری به دور ایران کشیده و ارتباطمان را با خارج قطع کنیم! نه؛ بلکه وقتی در دنیا نزدیک به ۲۰۰ کشور داریم، چه کسی گفته این دنیا فقط آمریکا و چند کشور بد سابقه اروپایی است؟

حال شاید کسی بگوید خب مشکل شما برای مذاکره و ارتباط با آمریکا چیست؟ چرا آمریکا نه؟ بالاخره آمریکا هم یکی از این حدودا ۲۰۰ کشور است دیگر! یا اینکه چرا به مذاکره و ارتباط با مثل انگلیس خوش بین نیستید؟ انگلیس هم یکی از این کشورهاست دیگر!

عده‌ای از کانون‌های فکری و رسانه‌های خارجی و برخی قلم‌های غفلت زده و چه بسا در مواردی قلم‌هایی که با دشمن پیمان بسته‌اند و هوای خیانت به وطن دارند، اینطور القاء می‌کنند که مشکل کشور ما تحریم است، تحریم‌هایی که ناشی از مقاومت ضد استکباریست، تحریم‌هایی که ناشی از مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و مرگ بر انگلیس گفتن‌ها است، تحریم‌هایی که نتیجه ی پشتیبانی از هسته مقاوت است، مثلاً پشتیبانی از فلسطین و حزب الله لبنان و سوریه و یمن.

به عبارت دیگر، چنین وانمود می‌کنند که مشکل، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است وگرنه چرا قبل از انقلاب اسلامی کشورهایی مثل آمریکا و انگلیس و ... با ایران و ایرانی جماعت مشکل نداشته اند؟ چرا آن موقع ما را تحریم نمی‌کردند؟ چرا آن موقع فشار اقتصادی نبود؟ و ...

اما آیا به واقع چنین است؟ آیا این گزاره‌ها صحیح هستند؟

پاسخ این سوال را می‌توان در صفحات تاریخ جستجو کرد که «إِنَّ لِلْبَاقِينَ بِالْمَاضِينَ مُعْتَبَرًا، إِنَّ لِلْآخِرِ بِالْأَوَّلِ مُزْدَجْرًا؛ رفتگان برای ماندگان مایه عبرتند و گذشتگان برای آیندگان سبب باز ایستادن». چنانچه وقتی که ما به تاریخ ایران قبل از انقلاب اسلامی نگاه کنیم، با حوادثی مواجه می‌شویم که نشان می‌دهد حقیقت و واقعیت چیزی غیر از آن القائات است! کودتای ۲۸ مرداد، قتل امیر کبیر، قتل عام قریب به ۱۰ میلیون نفر از مردم ایران در جنگ جهانی اول، قراردادهای استعماری رویترو و قرارداد ۱۹۱۹، کاپیتولاسیون و ...

و این دشمنی‌ها نه فقط نسبت به ایران و ایرانی بوده، بلکه مستکبران و جهان‌خواران عالم، علیه هر ملت و کشوری که داری منابع و ثروتی سرشار بوده‌اند یا برای مطامع و پیشبرد اهداف سیاسی آنها مناسب بوده‌اند، دست به اقدام نظامی زده یا علیه دولتهای مردمی‌شان کودتا کرده‌اند و با دخالت در امور داخلی آن ملت‌ها، به استعمار، استثمار و غارت منابع و ثروتهایشان مبادرت ورزیدند و در این راه از کشتار و اسارت و شکنجه آن ملت‌ها هیچ ابائی نداشته است.

انگلیس نیز دست کمی از آمریکا ندارد و تاریخ استعماری ۴۰۰ ساله‌اش پر است از استعمار و استثمار ملت‌ها، و جنایت و شکنجه و نسل‌کشی.

«این‌ها در دنیا دم از آزادی و دم از دموکراسی و دم از حقوق بشر و این حرف‌ها می‌زدند؛ در عمل آن‌قدر دولت‌های غربی با این شعارها عملاً مخالفت کردند و نقض کردند این شعارها را که امروز طرح این شعارها در دنیا از سوی غربی‌ها به صورت یک امر مستهجن درآمده است؛ یعنی افراد صاحب فکر می‌فهمند. تعداد کودتاهایی که دولت‌های غربی و قدرت‌های غربی علیه دولت‌های مستقل - غالباً دولت‌های ملی - انجام دادند، یک تعداد عجیبی است. طبق بعضی از گزارش‌ها، آمریکا پس از جنگ دوّم [جهانی] تا امروز برای سرنگونی پنجاه دولت اقدام کرده! در مورد پنجاه دولت انواع و اقسام اقدام‌ها را کرده؛ با ده‌ها جریان مقاومت مردمی مخالفت کرده که این‌ها در کارنامه آمریکا و دیگران مضبوط است» (۹۳/۶/۱۳)

### پیام قرآن

آیا با این کارنامه سیاه و با این همه ظلم و فساد و غارت، می‌شود به اینها اعتماد کرد؟! آیا به راحتی می‌توان با اینها بر سر میز نشست و مطمئن بود که اینها از پشت خنجر نمی‌زنند؟!!

«قرآن به ما می‌فرماید: [ لا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ به کسی که ستمگر است، به ظالم اعتماد نکنید، گرایش پیدا نکنید - رکون یعنی میل پیدا کردن و گرایش پیدا کردن و اعتماد به او کردن - به آدم ظالم اعتماد نکنید» (۹۲/۲/۶)

### علت دشمنی آمریکا و سایر مستکبران با ایران و ایرانی

پس اینکه «بعضی تصور می‌کنند ما دشمنان جهانی خود را تحریک کرده‌ایم که بیایند با ما دشمنی کنند؛ بعضی خیال می‌کنند شعار مرگ بر آمریکا، آمریکا را تحریک می‌کند که نسبت به نظام اسلامی و ایران اسلامی دشمنی بورزد؛ این خطاست. دشمنی نظام مستکبر

امریکایی و هر مستکبری در دنیا با نظام اسلامی، به خاطر پرچم برافراشته عدالت است؛ به خاطر این است که می‌بیند با نام اسلام و با تعالیم والای اسلام کشوری دارد به سمت رشد و توسعه و پیشرفت علمی و عملی حرکت می‌کند؛ می‌داند که این، جلوی نفوذ آنها را خواهد گرفت. آنها با هر کشوری که خارج از قلمرو قدرت آنها به توسعه و پیشرفت علمی دست پیدا کند، مخالفند. آنها با هر کشوری که در میدان علم و توسعه، به سمت رقابت با آنها حرکت کند، مخالفند» (۸۴/۲/۱۸)

### راه کار مقابله با تحریم‌ها و فشار اقتصادی و کارشکنی‌ها

پس تحریم و فشار اقتصادی نه نتیجه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، بلکه به این دلیل است که مستکبرین عالم به دنبال تسلط بر ملت‌ها و غارت منابع و ثروت‌هایشان هستند و تا بدان دست نیابند، دست از فشار اقتصادی و تحریم و مداخله بر نمی‌دارند. چگونه می‌توان با این تحریم‌ها و فشارها مقابله کرد؟

«ما در مقابله با تحریم دو راه می‌توانیم برویم: یکی اینکه برویم سراغ تحریم کننده و از او خواهش کنیم، بگوییم: آقا شما ما را تحریم کردید، ما خواهش می‌کنیم که حالا مثلاً شما این تحریم را کم کنید یا بردارید، او هم بگوید خیلی خب حرفی ندارم، این کارها را انجام بدهید - چند خواسته استکباری روی میز بگذارد، بگوید این کارها را انجام بدهید - من یک مقدار از تحریم را کم می‌کنم؛ این یک راه است که در واقع راه ذلت، راه انحطاط، راه عقب‌ماندگی است. یک راه دیگر هم این است که نیروی داخلی خودمان را فعال کنیم؛ و کالای تحریمی را در داخل تولید کنیم. آن طرف مقابل وقتی دید در داخل دارد این کالا تولید می‌شود، خودش به دست و پا می‌افتد؛ چون خود آنها سود می‌برند از این تجارت کالا و از بازارهای کشورها - یک سود عمده دولتها این است - لذاست که خود این موجب می‌شود که تحریم یا برداشته بشود یا لغو بشود یا بی‌اثر بشود. بنابراین ملت ما این راه دوّم را انتخاب کرده؛ یعنی واقعاً این جور است» (۱۴۰۰/۱/۱)

### داشته‌هایمان

از يك طرف ما در همسایگی مان ۱۵ کشور داریم که این‌ها وارداتشان یک چیزی نزدیک به هزار میلیارد دلار است که برای ما خیلی بازار مهیائی است و اکثر این‌ها هم بسیاری از تولیدات ما را نیاز دارند.

از آن طرف ما در کشوری زندگی می‌کنیم «که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده

مانده است. همتهای بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.» (بیانیه گام دوم) «ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است. دهه‌ی دوّم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد» (بیانیه گام دوم).

### دیدگاه مقابل نگاه به داخل

اما در مقابل این دیدگاه، دیدگاهیست که مع الاسف برخی مسئولین کشور دارند؛ «چشم دوختن به خارج» و شاید به عبارت دقیق‌تر، چشم دوختن به چند کشور اروپایی و کدخدای آنها یعنی آمریکا! «بلای مهم، چشم دوختن به خارج است. آقایان عزیز! من می‌دانم، می‌بینم و می‌شنوم - گزارش می‌رسد به ما - که بعضی از این کارها انجام نمی‌گیرد به خاطر اینکه مدیر آن قسمت مربوطه منتظر گشایشی از بیرون است؛ این کاری را که الان در اختیارش هست و می‌تواند انجام بدهد، انجام نمی‌دهد به خاطر اینکه انتظار دارد یک گشایشی از خارج انجام بگیرد... آن کسانی که به اینها چشم امید است، دارند با ما دشمنی می‌کنند» (۹۹/۹/۴)

اصحاب این دیدگاه بعد از انقلاب اسلامی چندین بار با آمریکا مذاکره کرده‌اند. قرارداد ۱۹ ژوئن و ماجرای مک فارلین از جمله این موارد است که هر دو بار آمریکایی‌ها بدعهدی کردند و به تعهدات خود پای بند نبودند. اما «ما أَكثَرَ الْعِبْرَ، وَ مَا أَقَلَّ الْمُعْتَبِرِينَ!» (چه بسیار است عبرت‌ها و چه اندک‌اند عبرت‌گیرندگان)

### اعتماد به شیطان بزرگ

با اینکه اصحاب «ما نمی‌توانیم» سابقه بدعهدی آمریکا در مقابل ملت ایران و همچنین سایر ملتها را می‌دانستند، ولی دوباره رونق و گشایش کشور را به مذاکره با کدخدا گره زدند! اما باز آمریکا بدعهدی کرد و خود این قوم اعتراف کردند که «مگر [کشورها] دیوانه شده‌اند که با آمریکا مذاکره کنند»، «هر توافقی با دولت ایالات متحده، حتی به اندازه جوهر [ی که برای نوشتن آن توافقنامه استفاده می‌شود] هم ارزش ندارد!» متأسفانه این درس عبرتی برایشان نشد و به جای استفاده از ظرفیت‌های سرشار خدادادی و طبیعی کشور و تکیه بر استعداد و همت جوانان ایرانی، همچنان در پی گره‌گشایی از طریق بدعهدها هستند!

«اگر چنانچه ما خواستیم عقلانیت را در سایه‌ی اعتماد به شیطانها به کار بگیریم، آنجا جور دیگری خواهد شد. آیه‌ی قرآن در سوره مبارکه نور می‌فرماید که «أَعْمَالُهُمْ كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ مَاءً»؛ مثل سراب، انسان تشنه، زمین خشک را از دور [شبيه] آب می‌بیند؛ بعد که نزدیک می‌شود، می‌بیند «لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ»، می‌بیند هیچ چیز نیست. امید بستن به شیطانها این است؛ امید بستن به قدرتهای مادی و شیطانی این است»

**اصحاب «ما نمی‌توانیم»** هر موقع که سر کار نیستند، مشکل را در این می‌دانند که آنها سر کار نیستند و هر موقع هم که سر کار می‌آیند، مشکل این است که کار دست آنها نیست! وقتی که سر کار نیستند، مشکل را رئیس جمهور و عدم عقلانیت او، عدم مشورت پذیری او و ... می‌دانند و وعده می‌دهند که اگر کار را به دست بگیرند، دنیا را گلستان خواهند کرد! اما وقتی کار دست آنهاست، رئیس جمهور «تدارکات چی» ای بیش نبوده و از نداشتن اختیارات می‌نالند! برخی ها چه دروغ‌ها و خلاف‌واقعه‌هایی که برای بدست آوردن این پست ناچیز نمی‌گویند!

پس محور قرار دادن نگاه به داخل و خنثی سازی تحریمها نه تنها بستن درهای کشور به روی دنیا و دیوار کشیدن دور کشور نیست، بلکه اتفاقاً تاکید بر تعامل سازنده و گسترده با جهان داریم؛ اما جهان، فقط آمریکای بعد عهد و چند کشور اروپایی بد عهد نیست! این‌طور نیست که آمریکا فعال ما یشاء باشد! مخصوصاً در شرایط فعلی که مثلاً رئیس شورای روابط خارجی آمریکا می‌گوید اصلاً دوران پسا آمریکا شروع شده و آمریکا بسیار ضعیف‌تر از آن چیزی است که خودش را نشان می‌دهد.

پس ما باور داریم که این تعامل سازنده از جمله راه‌های خنثی کردن تحریم است.

ما در زمینه شکست تحریم هم سابقه موفق داشته‌ایم؛ مثلاً ماجرای تحریم بنزین. چون آن زمان، بنزین را وارد می‌کردیم و دشمن می‌دانست بنزین بحث مهمی در زندگی روزمره مردم است، مرتب بحث تحریم بنزین را مطرح می‌کردند. چرا امروز مطرح نمی‌کنند؟ چون ایران تولیدکننده و بلکه صادرکننده بنزین شد! جوانان ما در همین پالایشگاه ستاره خلیج فارس یک حرکت بزرگی انجام دادند که ما امروز صادرکننده بنزین شدیم. این می‌شود بی‌اثرکردن تحریم.

### آیا مقاوت و نگاه به داخل، هزینه ندارد؟

«دشمنی مستکبرین و مشخصاً دولت سلطه‌گر آمریکا علیه ملت ایران و نظام برآمده از انقلاب اسلامی این ملت تمام‌شدنی نیست و ادامه دارد. ... امروز هم «یک عده هستند



که وقتی هیمنه آمریکا را می‌بینند، قدرت نظامی او را می‌بینند، قدرت دیپلماسی او را می‌بینند، می‌گویند ما که نمی‌توانیم کاری بکنیم، چرا بیخودی نیروهایمان را هدر بدهیم؟ یک عده‌ی دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه می‌کنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار می‌دهند؛ آن وقت می‌بینند که اینها حقیر محضند، اینها چیزی نیستند. وعده‌ی الهی را هم راست می‌شمرند، حسن‌ظن به وعده‌ی الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ این وعده‌ی قطعی است.» (۱/۱۲/۱۳۸۹)

«هزینه‌ی تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه‌ی مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه‌ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملت‌ها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی‌هویت شدن هیچ اثری ندارد.» (۹/۴/۱۳۹۷)

«این قانون لایتحلف پروردگار است که فرمود: فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَكُنْ يَتِرْكُمْ أَعْمَالَكُمْ؛ سست نشوید، دعوت به سازش با دشمن نکنید، خدای متعال شما را برتر قرار داده است و برتر هستید «وَلَنْ يَتِرْكُمْ» - یعنی «لَنْ يَنْقُصَكُمْ» - خدای متعال برای شما کم نمی‌گذارد در مقابل مجاهدتی که انجام داده‌اید، پاداش این مجاهدت را به‌طور کامل به شما خواهد داد.» (۹۷//۴/۹)

«تجربه نشان داده ایستادگی در مسیر حق، به شرط عمل به الزامات این حرکت، قطعاً پیروزی را به ارمغان می‌آورد. قرآن این جور می‌گوید، می‌فرماید که «وَأِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً»؛ این یک قانون - قانون آفرینش - است. صبر و تقوا موجب می‌شود که همین دشمن عنود، این کپسول زشت‌کینه و بغضاء، با همه توانایی‌هایی که برای خودش فراهم کرده، هیچ غلطی در مقابل شما نتواند بکند؛ لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً؛ یعنی هیچ‌زیانی به شما نمی‌توانند برسانند» (۹۷/۴/۹)

البته باید توجه داشت که بنا به گفته کارشناسان بخش عمده‌ای از مشکلات کشور منشا داخلی داشته و گره زدن مشکلات اقتصادی به خارج از کشور، چیزی جز آدرس غلط دادن به توده مردم نیست.

«جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم

مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود» (بیانیه گام دوم انقلاب)

## ج: عدالت - مبارزه با فساد و تبعیض

### عدالت؛ ارزش مطلق!

«در اسلام، عدالت مسأله‌ی بسیار مهمی است. ارزشی که از نظر اسلام به هیچ‌وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد، عدالت است. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است» (۸۴/۲/۱۸) «عدالت معنای وسیع و گسترده‌ی بسیار زیادی دارد؛ هم در زمینه‌های اقتصادی است، هم در زمینه‌های سیاسی است؛ در همه‌ی زمینه‌ها عدالت یک مقوله‌ی بسیار مهمی است. عدالت یک ارزش مطلق هم هست؛ یعنی ارزشهای دیگر همه نسبی است به یک معنا، [اما] عدالت یک ارزش مطلق است» (۹۶/۱۱/۱۹) «عدالت معیار حق و باطل حکومتها است. یعنی در اسلام اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقیقت و مشروعیت زیر سؤال است» (۸۹/۹/۱۰)، «العدل اساس الملك».

### عدالت، در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی

«عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است» (بیانیه گام دوم)

### عدالت در حکومت مهدوی

«نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخر الزمان هستید و الآن حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و جعلنا الله فداه است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر می‌کنید؟ الذی یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً. نمی‌گویید که یملاً

الله به الأرض دیناً. این، نکته‌ی خیلی مهمی است. چرا به این نکته توجه نمی‌کنیم؟ اگرچه قسط و عدل متعلق به دین است، اما هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می‌کند» (۷۶/۴/۲۵)

### عدالت در جمهوری اسلامی

«ملت ایران در راه ایجاد جامعه‌ی عادلانه مبارزه و تلاش کرد. نظام مقدس جمهوری اسلامی هدف اصلی خود را ایجاد جامعه‌ی عادلانه قرار داده؛ عدالت با تعریف اسلامی؛ عدالت، همان‌گونه که اسلام معرفی کرده است؛ بدون انحراف به چپ و راست؛ یعنی صراط مستقیم الهی» (۸۴/۲/۱۸)

«این نظام اسلامی به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می‌خواهیم. کارهای گوناگون مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه را برای قسط و عدل می‌خواهیم» (۷۶/۴/۲۵)

«[انقلاب] کفّهی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست» (بیانیه گام دوم)

«جمهوری اسلامی ایران در این راه گامهای بلندی برداشته است ... با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیتهای بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد.»

### مطالبه‌گری عدالت

«ملت وظیفه دارد که در جمهوری اسلامی پشتیبانی از دولتها بکند که به خدمت ملت هستند. اگر دولتی را دید که خلاف می‌کند، ملت باید تودهنی به او بزند. اگر چنانچه دستگاه جابری را دید که می‌خواهد به آنها ظلم کند، باید شکایت از او بکنند و دادگاهها باید دادخواهی بکنند؛ و اگر نکردند خود ملت باید دادخواهی بکند، برود توی دهن آنها بزند» (صحیفه ی نور، ج ۶، ص ۴۶۱)

«پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید؛ این مطالبه‌گری را از دست ندهید، این آرمان‌خواهی را از دست [ندهید]. اینها آرمان‌خواهی است؛ ممکن است بعضی از این چیزهایی که شما مطالبه می‌کنید عملی نباشد که واقع قضیه هم همین است؛ یعنی وقتی انسان وارد عمل شد مشکلات کار میدانی برای او بیشتر آشکار می‌شود، معلوم می‌شود که همه‌ی آن چیزهایی که می‌خواستیم، یا نمی‌توانسته عملی بشود یا نمی‌توانسته به این زودی عملی بشود؛ لکن خود این آرمان‌خواهی با ارزش است؛ برای اینکه اگر آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد راه را گم می‌کنیم؛ این آرمان‌خواهی موجب می‌شود که ما راه را گم نکنیم و وسط راه، کج و راست و به چپ و راست حرکت نکنیم. این آرمان‌خواهی را داشته باشید؛ این آرمان‌های مهم را: عدالت، استقلال، رفع فساد، در نهایت تمدن اسلامی. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است؛ اینها را از دست ندهید و اینها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید؛ البته مطالبه‌گری بایستی با شکل‌های منطقی باشد (۲۸/۰۲/۱۳۹۹)

اگر انتقاد و مطالبه‌گری از مسئولین را تضعیف نظام بدانیم، اگر صحبت کردن از ناعدالتی‌ها و تبعیض‌ها و ضعف‌ها و مطالبه اصلاح آنها را تضعیف نظام بدانیم، اول کسانی که دست به تضعیف اصل نظام زده اند، امامین انقلاب می‌باشند.

اینکه انتقاد از عملکرد ده‌یار فلان ده را به معنای تضعیف اصل نظام گرفته و هر گونه انتقادی را سرکوب یا توجیه کنیم آن هم فارغ از اینکه اصلاً ببینیم آیا این انتقاد وارد است یا نه، این موجب انزجار و روی گردانی مردم، و افتادن پرچم مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی به دست معاندین و کسانی خواهد شد که عدالت‌خواهی را دست مایه حرکات عوام‌فریبانه می‌کنند، و در نتیجه هم باعث خواهد شد که آنها به محل رجوع مردم تبدیل شوند.

نباید جووری اقدام کنیم که مردم فکر کنند عدالت‌خواهی ما حزبیست! عدالت‌خواهی ما خودی و غیر خودی می‌شناسد! نباید این چنین باشد که فکر کنند در مقابل خطای به ظاهر خودی‌ها طوماری از توجیحات به پا می‌کنیم اما وقتی که پای آن دیگری به میان می‌آید، عدالت‌خواهی را دستاویزی قرار می‌دهیم برای کنار زدن او.

### خطر فراموشی عدالت

«نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه‌ی دو کم‌کم در مقابل ارزش‌های دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است. ارزش‌های دیگر هم خیلی مهم است؛ مثلاً ارزش پیشرفت و توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقاً به معنای نفی اینها نیست؛ اما وقتی ما این ارزش‌ها را

عمده می‌کنیم و مسأله‌ی عدالت و نفی تبعیض و توجه به نیازهای طبقات محروم در جامعه کم‌رنگ می‌شود، خطر بزرگی است؛ اما با عدالت‌محور بودن یک دولت، این خطر از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود» (۸۴/۶/۸)

### مبارزه با تبعیض و فساد

«در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است» (بیانیه گام دوم)

«این را بنده در جاهای مختلف به تجربه مشاهده کرده‌ام. هر جا کارها لنگ است، به‌خاطر این است که در آن از این بی‌ایمانی‌ها و بی‌ریشه‌یی‌ها که منجر به نفع‌طلبی و فساد و تبعیض و رفیق‌بازی و امثال اینها می‌شود، وجود دارد.» (۸۴/۳/۵)

### اژدهای هفت سر

«باید با فساد مبارزه بشود، با ظلم مبارزه بشود؛ البته خیلی سخت است. بنده چند سال قبل از این ذکر کردم که فساد مثل اژدهای هفت‌سر افسانه‌ها است؛ در افسانه‌ها، یک سر اژدهای هفت‌سر را که میزنی، با شش سر دیگر حرکت می‌کند؛ از بین بردنش آسان نیست. فساد این‌جوری است؛ برخورد و زورآزمایی با آن کسانی که در درون جامعه منتفع از فسادند کار بسیار سختی است، انصافاً کار مشکلی است، ولی از آن کارهای سختی است که حتماً باید انجام بگیرد؛ از آن کارهایی است که حتماً باید انجام بگیرد. همه‌ی مدّت حکومت امیرالمؤمنین (علیه الصلّاة و السلام) که پیشوا و مقتدای ما است، تقریباً به این مسئله‌ی مهم و به این مقوله‌ی مهم گذشت؛ البته تمام هم نشد. البته اگر چنانچه در کارگزاران حکومتی، خدای نکرده ظلمی باشد، فساد باشد، برخوردها بایستی جدی‌تر و با شدت عمل بیشتری باشد. همه‌ی دستگاه‌های مختلف، همه‌ی مدیران کشور، همه‌ی ماها در همه جای کشور، باید به این توجه کنند و از این نگذرند؛ از ظلم نگذرند.» (۹۶/۱۱/۱۹)

«تا وقتی در جامعه عدالت باشد، تبعیض نباشد، نگاه متفاوت به اشخاص و قشرها نباشد و امتیازطلبی‌های زیادی و نابحق و نابجا در جامعه وجود نداشته باشد، مردم بر خیلی از ناکامیها صبر می‌کنند» (۱/۰۶/۱۳۸۲)

«حرف مردم را باید [گوش کرد]؛ حرف مردم شکایت از فساد است، شکایت از تبعیض است؛ این حرف مردم است. مردم خیلی از مشکلات را تحمل میکنند، البته فساد را، تبعیض را نمی‌پسندند، شکوه دارند، شکایت میکنند. شکایت مردم از فساد و از تبعیض

است. شکایت مردم از فساد و از تبعیض است که باید مسئولین - چه مسئولین قوه‌ی مجریه، چه مسئولین قوه‌ی قضائیه، چه مسئولین قوه‌ی مقننه - به طور جد دنبال کنند.» (۹۶/۱۱/۱۹)

### قوه‌ی مجریه مهمترین نقش در اجرای عدالت و مبارزه با فساد و تبعیض

«در این کشور باید با فقر و فساد و تبعیض مبارزه شود. علاج مشکلات این کشور این است که به طور جدی اجرای عدالت پیگیری شود؛ تبعیض برداشته شود؛ با فساد و فقر و عوامل فقر به طور واقعی مبارزه شود؛ این کارها، کارهای قوای سه‌گانه است؛ اعم از قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضاییه. البته مهمترین بخش در اختیار قوه‌ی مجریه است» (۸۳/۱۱/۱۰)

لذا رئیس جمهور، باید «عدالت خواه باشد، ضد فساد باشد؛ این یکی از مهمترین خصوصیات است که بایست در رئیس جمهور وجود داشته باشد که به معنای واقعی کلمه به دنبال اجرای عدالت باشد و به معنای حقیقی کلمه با فساد بخواهد مبارزه کند» (۱۴۰۰/۱/۱)

نامزدی که خود از تبعیض برآمده باشد، شعار مبارزه با تبعیض او خریدار نخواهد داشت! دولتی که عادت به حقوق نجومی و ویژه‌خواری کرده است نمی‌تواند با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کند.

### نکته پایانی

در پایان لازم به یادآوری است که راهبرد فعالین جبهه انقلاب در نقش آفرینی انتخاباتی در اولویت اول افزایش مشارکت در انتخابات است که این مهم مکررا در بیانات رهبر معظم انقلاب منعکس شده است:

«امروز هم صرف نظر از این که چه کسی از صندوق رأی بیرون خواهد آمد، چه کسی انتخاب خواهد شد و چه کسانی مسئولیت را بر دوش خواهند گرفت - این در درجه دوم است - باید همه در انتخابات شرکت کنند. من در انتخابات ریاست جمهوری هم همین را به مردم گفتم. این که چه کسی انتخاب شود، مسأله اول نیست؛ مسأله دوم است. مسأله اول این است که مردم، همه در انتخابات شرکت کنند؛ پُرشور شرکت کنند، آگاهانه شرکت کنند، فکر کنند، تحقیق کنند و آن کسی را که می‌خواهند، انتخاب کنند. انتخابات، خودش مهم است. حضور مردم در انتخابات مهم است.» (۷۷/۷/۱۵)

«اصل حضور مردم در صحنه‌ی انتخابات مهم است؛ زیرا مشارکت عمومی نشان‌دهنده همبستگی ملی است و همبستگی ملی می‌تواند در مقابل توطئه‌های دشمنان به کشور مصونیت ببخشد. وقتی یک ملت یکپارچه و یکدست باشد و مسؤولان کشور همه با یکدیگر همدل و همراه باشند، شمشیر دشمن گند می‌شود و جرأت نمی‌کند به چنین کشور و ملتی نظر بد بیندازد و با او به چشم توطئه نگاه کند. مشارکت مردم در امر انتخابات می‌تواند این همبستگی ملی را در مقابل چشمان دشمن عنود و حيله‌گر به نمایش بگذارد و به ملت و کشور ما مصونیت ببخشد. لذا من بارها گفته‌ام که **اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهمتر است**؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.» (۸۴/۲/۱۷)

و در این رابطه، راهکارهای افزایش مشارکت منحصر به دفع شبهات و بیان دستاوردهای گذشته نبوده بلکه مطرح کردن چنین برنامه‌های عملیاتی واقعی که دولتی انقلابی می‌تواند انجام دهد و مشکلات اساسی کشور را رفع کند، به عنوان یک حرف رو به جلو، خود نقش به‌سزایی در امیدآفرینی در بدنه مردم جهت افزایش مشارکت در انتخابات دارد.

بنا بر آنچه گذشت، از نظر ما دولت جوان انقلابی دولتی است که برنامه و اراده داشته باشد تا با پیگیری رهبرد خنثی کردن تحریم‌ها، توجه را از خارج به داخل برگرداند و با مبارزه با فساد و تبعیض، اقتصاد مردمی را ساماندهی کند. لازم است سابقه نامزدها و برنامه‌هایشان و کارشناسانی که آنان را همراهی می‌کنند، با این نگاه بررسی شود و به صرف شعارهای انتخاباتی اکتفا نشود. ستاد گفتمانی دولت جوان انقلابی تنها راه علاج دردهای مزمن در مدیریت اجرایی کشور را شکل‌گیری چنین دولتی می‌داند و امید است با روی کار آمدنش **هوای تازه** در کشور دمیده شود.

لازم به ذکر است که مطالبه‌گری ما محدود به ایام انتخابات نخواهد بود و پس از آن نیز تحقق این اهداف را پیگیری خواهیم کرد. همچنین عموم ملت شهیدپرور ایران اسلامی را دعوت می‌نماییم که چک سفید امضا به هیچ شخص و جریانی ندهند و حمایت‌هایشان منوط به حرکت در راستای اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد.



ستاد گفتمانی دولت جوان انقلابی



**setadegoftemani**